



بیانات در دیدار مدال آوران المپیادهای علمی و اعضای تیم ملی والیبال جوانان - 16 / مرداد / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

برای من این جلسه، جلسه‌ی خیلی شیرین و مطلوبی است؛ به مناسبت اینکه فعّالان این جلسه، سخنگویان این جلسه، شاخصهای این جلسه همان عناصری هستند که چشم امید بنده به آنها است برای آینده‌ی این کشور و آینده‌ی انقلاب؛ یعنی جوانان پُرانگیزه و مؤمن.

خوشبختانه من در اظهاراتی که شماها کردید، نشانه‌های عمق و ژرف‌نگری را مشاهده کردم؛ یعنی دیدم حرفها، حرفهای برخاسته‌ی از یک فکر و خردورزی و عقلانیت است. این خیلی برای ما مهم است. برای من خیلی مهم است که ببینم جوانهای ما فکر میکنند و از روی فکر و تدقیق حرف میزنند. و بسیاری از این مطالبی هم که گفته شد مورد قبول من است؛ حالا من فعلاً دارم در مورد مسائل شما عزیزان جوان مدال آور حرف میزنم؛ راجع به عزیزان والیبالیست هم ان شاء الله بعد چند کلمه‌ای عرض خواهم کرد.

اولاً من تشکر میکنم از اینکه مدال‌هایتان را لطف کردید و به من اهدا کردید که البته این اهدای به شخص نیست، من کاملاً توجّه دارم؛ این اهدای به یک نماد است، به یک نظام است، به یک حقیقت است. در واقع یک حقیقتی را شما تصوّر کردید، دارید تأیید میکنید آن حقیقت را با اهدای مدال‌ها. من البته تشکر میکنم؛ این هدیه‌ی با ارزش و بسیار مهم را از شما عزیزان میپذیرم، بعد هم مدال‌ها را برمیگردانم، [چون] دلم میخواهد اینها را شماها نگه دارید، داشته باشید، پیش خودتان باشد. ما به افتخار کردن شما افتخار میکنیم، به سرافرازی شما سرافراز میشویم، این را شما بدانید. در هر عرصه‌ای، در هر میدانی که جوانهای ما امروز خودی نشان بدهند و سربلند باشند، کشور سربلند میشود، نظام سربلند میشود، علاقه‌مندان به نظام سربلند میشوند؛ آنهایی که برای تشکیل این نظام کاری کرده‌اند، زحمتی کشیده‌اند، تلاشی کرده‌اند، عمری گذرانده‌اند، سربلند میشوند؛ سربلندی شما مایه‌ی سربلندی ملت و همه‌ی ما است.

من فقط دو سه نکته‌ی کوتاه را عرض میکنم. اولاً از مطالبی که شما گفتید، آن چیزی را که در آن پیشنهادی باشد یا یک دقت نظر فکری‌ای باشد - که بود در بین این صحبتها - ما ان شاء الله دنبال میکنیم؛ هم پیشنهادها را و هم آن دقتهای مورد نظر شما را. اگر باید به کسانی سفارش کنیم، دستور بدهیم، این کار را حتماً میکنیم ان شاء الله؛ یعنی گفته‌های شما، اظهارات شما، نوشته‌های شما بی‌پاسخ نمیماند به امید خدا.

دو سه نکته را عرض میکنم: یکی اینکه راه نخبگی یک راه بی‌انتها است. این جور نیست که ما بگوییم این جوان از لحاظ فکری، ذهنی نخبه است، حالا هم یک مدال گرفت و قضیه تمام شد؛ نه، این مدال یکی از نشانه‌های حرکت شما در یک مسیر است؛ مسیر نخبگانی، مسیر تلاشی که برخاسته‌ی از یک ظرفیت و استعداد و توانایی خاص است؛ در این مسیر باید شما حرکت کنید، باید تلاش کنید. خب وقتی که به مدال میرسید، نشان‌دهنده‌ی این است که در این مسیر یک مقداری پیش رفته‌اید [اما] در هر رشته‌ای که هستید باید این پیشرفت را ادامه بدهید، باید کار کنید،



تلاش کنید، فکر کنید. نگذارید که این ظرفیت و استعداد در همین حد پنهان و تمام بشود و در واقع سر این چشمه‌ی جوشان گرفته بشود؛ نگذارید این کار اتفاق بیفتد. عقیده‌ی من این است که توان انسان، ظرفیت انسان - همه‌ی انسانها، حتی غیرنخبه‌ها - یک ظرفیت فوق‌العاده‌ای است منتها یکی ممکن است در یک جنبه‌ی زندگی ظرفیت بی‌پایانی داشته باشد، دیگری در یک جنبه‌ی دیگری اما همه این ظرفیتها را دارند؛ مجموعه، مجموعه‌ی ظرفیتها را دارد. این ظرفیتها بی‌پایان است؛ نگذارید که وسط راه بمانید و ادامه ندهید کار را، و راه را.

عزیزان من! ما خیلی هنوز کار داریم. ببینید، ما یک روزی در تاریخ از لحاظ دانش ملی و عمومی، در دنیا سرآمد بودیم؛ یک روزگاری این جور بوده؛ بعد یواش‌یواش یک تنزلی پیدا شده؛ این تنزل، خیلی جای ایراد و اشکال نیست. خب کشورها، ملتها، تمدنها بالا و پایین رفتن و فراز و فرود دارند، نمیشود توقع داشت؛ یک وقت تنزل میکنند، یک وقت پیش میروند لکن در این یکی دو قرن اخیر که پای خارجی‌ها و اعمال سیاستهای آنها در کشور باز شده، انسان احساس میکند این تنزل و این عقب‌رفت، دیگر یک امر طبیعی نیست [بلکه] این عقب‌رفت، تحمیل شده به ما. من نمیدانم شماها چقدر علاقه دارید و دوست دارید تاریخ را بدانید؛ توصیه‌ام این است که حتماً لااقل با تاریخ این یکی دو قرن اخیر آشنا بشوید؛ حقایق زیادی برای شما روشن خواهد شد. ما را به معنای واقعی کلمه عقب نگه داشتند؛ در دوران حکومت قاجار یک جور، در دوران حکومت پهلوی یک جور دیگر؛ ما عقب نگه داشته شدیم. استعداد ایرانی از متوسط استعداد جهانی بالاتر است. من یک وقتی سالها پیش این را میگفتم، احساس میکردم که بعضی‌ها تردید دارند؛ امروز این حرف در دنیا دارد تکرار میشود و گفته میشود که استعداد ایرانی استعداد بالاتر است. بنابراین عقب نگه داشته شدیم، عقب ماندیم؛ دنیا پیش رفته، دانش بشری پیش رفته. با همه‌ی تحرکی که بعد از انقلاب، بخصوص در این حدود بیست سال اخیر پیش آمده که یک تحرک علمی خیلی خوبی شده و کارهای زیادی انجام گرفته، هنوز نتوانستیم مرزهای دانش را جلو ببریم، مرزهای فناوری را جلو ببریم؛ هنوز نتوانسته‌ایم. این کار را باید بکنیم؛ چه کسی باید بکند؟ غیر از شماها چه کسی باید بکند؟ نسل شما و نسل بعد از شما کسانی هستید که بایستی تولید کنید، بسازید.

امروز مسئله‌ی تلاش ما ادامه‌ی موفقیت‌آمیز در راهی است که دیگران آن راه را باز کردند؛ ما امروز در نانو مثلاً جزو پنج شش کشور اول دنیا هستیم؛ در این شکی نیست؛ اما نانو را چه کسی کشف کرد؟ این مهم است؛ من میخواهم شما ده‌ها، صدها [امثال] نانو کشف کنید؛ مایلم ده‌ها، صدها پدیده‌های علمی زیست‌فناوری را کشف کنید. دنیا خیلی بزرگ است، عالم طبیعت خیلی دارای عمق است، خیلی چیزها برای کشف کردن وجود دارد که ما کشف نکرده‌ایم؛ کما اینکه هزاران سال، این نیروی برق در دنیا بود، در طبیعت بود و انسانها کشف نکرده بودند آن را؛ بعد کشف کردند. امروز ممکن است میلیون‌ها پدیده که در زندگی بشر تأثیر دارد - مثل نیروی برق - در طبیعت وجود داشته باشد که اینها کشف نشده است؛ باید اینها کشف بشود؛ کشف کنید اینها را، دنبال کنید، پیشرفت کنید. این احتیاج دارد به اینکه این جوهر نخبگی در شما تعالی پیدا کند؛ این نباید متوقف بشود. شما نخبه‌اید، عزیزید و ارجمندید به خاطر نخبگی‌تان؛ در این هیچ تردیدی نیست. حالا گیرم به قول آن جوان عزیزمان قدر ندانند و به نخبگی شماها اهمیّت ندهند ولی خب شما نخبه‌اید، بدون شک؛ اما معنایش این نیست که راه شما همین جا تمام شد؛ «یعنی بنابراین شما دیگر احتیاج به اینکه بیشتر تلاش کنید ندارید [چون] نخبه هستید»؛ خیر، بایستی تلاش کنید، باید کار کنید، باید بر ظرفیت وجودی خودتان بیفزایید؛ در همه‌ی رشته‌ها ما این نیاز را داریم و باید پیش برویم. پس بنابراین این توصیه‌ی اول: ادامه‌ی حرکت و ادامه‌ی کار.



مسئله‌ی دوم این است که شما اگر بخواهید برای کشورتان به معنای واقعی کلمه مفید باشید، باید نگاه انقلابی را، نگاه و نگرش انقلاب بنیانی‌ای را که مبتنی بر تفکر اسلامی است، در خودتان حفظ کنید و تقویت کنید. امروز خوشبختانه میبینم [با توجه به] آنچه در حرفه‌ایتان احساس میشود، این نگاه در شما هست؛ این را هر چه میتوانید تقویت کنید. بصیرت که بنده روی آن این همه تکیه کرده‌ام و بحث کرده‌ام، به خاطر همین است؛ اگر چنانچه ما این نگاه انقلابی را دنبال نکنیم، عقب خواهیم ماند، پیشرفت ما متوقف خواهد شد؛ اگر پیشرفتی هم در اشخاص ما و افراد ما به وجود بیاید، به سود کشور نخواهد بود کما اینکه در گذشته، در دوران طاغوت همین جور بود. آن روز هم ما نخبگانی داشتیم اما این نخبه‌ها به کار کشور نمی‌آمدند؛ حالا علاوه بر اینکه ظرفیتهای بروز نمیکرد و استعدادها بروز و ظهور نمیکرد، آن مقدار اندکی هم که بروز میکرد، به نفع دیگران تمام میشد، در خدمت دیگران قرار میگرفت. فکر انقلابی، نگاه انقلابی را حتماً در خودتان تقویت کنید، حفظ کنید.

و توکل به خدا را و استمداد از پروردگار را هم فراموش نکنید؛ این توصیه‌ی مؤکد من است؛ خداوند توفیق میدهد. البته قرآن به ما میگوید هر کس تلاش کند، خدا کمکش میکند: *كَلَّا تُمِدُّ*؛ یعنی کمک خدا صرفاً مال مؤمنین نیست؛ حتی خدای متعال آن کسانی را هم که برای دنیا دارند کار میکنند، وقتی تلاش بکنند، به خاطر تلاششان کمک میکند. *كَلَّا تُمِدُّ هُوَ لَآءٍ وَ هُوَ لَآءٍ*؛ (۲) اما کمکهای ویژه‌ی الهی مال مؤمنین است و آنجایی که کسی با خدا ارتباط دارد. دل‌های شما دل‌های پاکیزه‌ای است، شما جوانید، دل‌هایتان پاکیزه است؛ ارتباط شما با خدای متعال و توکل شما به خدای متعال و استمداد شما از خدای متعال، به شما کمک میکند که بتوانید بهتر پیش بروید، راحت‌تر مشکلات را پشت سر بگذارید و امیدوارانه‌تر با مشکلات دسته و پنجه نرم کنید و پیش بروید؛ این هم نکته‌ی بسیار مهمی است. و این ارتباط قلبی با خدا را که من همیشه به جوانها توصیه میکنم و به شما هم توصیه میکنم: در درجه‌ی اول، اجتناب از گناه، آشنایی دل با خدای متعال، توجه به نماز، توجه به ذکر؛ اینها توصیه‌های حتمی ما است که ان‌شاءالله به شما کمک میکند و شما را در این راه پیش میبرد؛ و امیدواریم که خداوند به شماها توفیق بدهد. بله، من هم حتماً دعا میکنم شما را و امیدوارم که دعای من هم درباره‌ی شماها مستجاب بشود. شماها فرزندان این کشور و نورچشمان این کشور هستید و ان‌شاءالله چشم کشور به شما روشن خواهد شد.

در مورد [موفقیت] جوانهای والیبالیست ما و ورزشکارهای ما که خب واقعاً بنده را خوشحال میکند. حالا گفتند فلانی در والیبال وارد است؛ نه، من ورودی ندارم، فقط بچگی‌ها ما در کوچه والیبال بازی میکردیم، یعنی همین اندازه؛ و در دوره‌ی جوانی، مجال و فرصت بازی کردن واقعاً نبود برای ما و الا دوست میداشتیم. ما وسط کوچه نخ می‌بستیم - آرزوی تور واقعی داشتیم که گیرمان نمی‌آمد - و والیبال بازی میکردیم. والیبال، بازی خیلی خوبی است؛ یعنی واقعاً جزو بازی‌های بسیار خوب است؛ حالا من نمیخواهم اسم از بازی‌های دیگر بیاورم که اهانت به [رشته‌ی دیگری] نشود؛ اما به هر حال والیبال خیلی خوب است.

خب الحمدالله جوانهای ما توانستند افتخار بیافرینند؛ آن هم کجا، در کدام کشور! همین طور که ایشان (۳) گفت، آنجایی که (۴) البته مردمش با ما خیلی خوبند؛ (۵) مردم آنجا طرفدار شما هستند، دوستدار شما هستند و برای شما، هم کف میزنند، هم صلوات میفرستند، از این کارها میکنند؛ منتها حکومتشان خب بله، بدند. شما آنجا رفتید در قلعه‌ی والیبال جهان ایستادید؛ این خیلی چیز باارزشی است و مردم خوشحال شدند و بنده، هم خودم خوشحال شدم، هم از خوشحالی مردم خوشحال شدم؛ و از هر دو جهت از شماها تشکر کردم، باز هم تشکر میکنم. ان‌شاءالله موفق باشید. این یک نکته.



نکته‌ی دوّم، این نکته‌ای است که این برادر عزیزمان، جوان عزیزمان گفتند (۶) که در ذهن من هم بود و آن، [اهمّیت] سرمربی ایرانی است؛ اعتقاد من همیشه این بوده. یک وقتی هم برای فوتبال یک سرمربی ایرانی بود [که وقتی] آمدند پیش من، تشکر کردم از اینکه یک سرمربی ایرانی گذاشته شده؛ واقعاً هم عقیده‌ام این است. من حالا وارد نمیشوم در این مسائل، یعنی کارهای اجرائی است، مربوط به مسئولین خودش است، بنده دخالتی نمیکنم که بگویم این کار بشود، این کار نشود؛ اما واقعاً معتقدم که شایسته است برای کشور ما که در ورزش، سرمربی‌های باشگاه‌ها، [مسئولین] فدراسیون‌ها و مجموعه‌ها ایرانی باشند. یعنی واقعاً لزومی ندارد؛ حالا بعضی‌ها بیخودی احساس لزوم میکنند و میخواهند این را اثبات کنند [اما] بنده توی کتم نمیروم که این واقعاً یک چیز لازمی است؛ نه خیر، از اینکه الحمدالله یک سرمربی ایرانی و [همکارانش] توانسته‌اند این جوانها را به اینجا برسانند، من خیلی خوشحال هستم. ان شاءالله موفق باشید و پیشرفت کنید.

آن موارد مطرح شده را هم من بررسی میکنم دیگر؛ به دفتر میدهم تا بررسی کنند ببینند چه کار ما باید انجام بدهیم. [چون] شما که اسم سربازی می‌آورید فوراً [بقیه] هم میگویند سربازی؛ یعنی همه [میگویند]، در حالی که واقعاً اگر یک جمع نخبه‌ی این جوری بروند در محیط سربازی، اصلاً یک تحوّل در محیط نیروهای مسلح ما به وجود می‌آوردند، (۷) یعنی واقعاً وجود اینها خیلی مغتنم است؛ البته این هم باز به معنای قضاوت نیست، نمیخواهیم قضاوت کنیم.

امروز برای من روز خیلی خوبی بود، دیدار شماها، دیدار بسیار شیرینی بود برای من، و امیدوارم که خداوند [شما را] کمک کند. این هم جالب بود که این خانم محترم مدال آور، (۸) بچه‌ی کوچکش را هم با خودش آورده و الحمدالله پیدا است که میشود با داشتن همسر و فرزند و مانند اینها [هم] مدال آورد؛ این کار بنابراین ممکن است. اینکه بعضی‌ها فکر میکنند که نمیشود این کارها را کرد، نه، این جور نیست، میشود. خداوند ان شاءالله همه‌ی شما را موفق بدارد.

والسلام علیکم ورحمةالله

- ۱) در ابتدای این دیدار، شش تن از مدال‌آوران المپیادهای علمی و دو تن از اعضای تیم ملی والیبال جوانان به بیان دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود پرداختند.
- ۲) سوره‌ی اسراء، بخشی از آیه‌ی ۲۰؛ « هر دو [دسته] -اینان و آنان- را از عطای پروردگارت مدد میبخشیم ...»
- ۳) آقای بهروز عطایی (سرمربی تیم والیبال جوانان)
- ۴) در پاسخ صحبت آقای بهروز عطایی که به برخورد سیاسی با ورزشکاران ایرانی در کشور میزبان اشاره کرد.
- ۵) کشور بحرین
- ۶) آقای امیرحسین اسفندیار (کاپیتان تیم ملی والیبال جوانان)
- ۷) خنده‌ی معظم‌له و حضار
- ۸) خانم زهرا هدایتی‌متین (دارنده‌ی مدال طلای المپیاد ادبیات دانش‌آموزی)



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir
